[illegible]

بنای وربو هشت

بنای وربو پنج گفتن

دو بنای وربو　　بنای وربو هفت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بدستوری دادار

[illegible]

اورمزد رایومند خرهمند بدستوری سروش اشوی پیروزگر بدستوری رانیت سفتمان

بدستوری آذرباد مهره سفتمان بدستوری آذرباد زره نشنان بدستوری [illegible]

بدستوری هما دستور این زمانه بدهمویدی شاه گشتاسف بدهمویدی شاه کیخسرو

بدهمویدی شاه اردشیر بدهمویدی شاه یزدگرد بدهمویدی هما دهمودان این

[illegible] بخشوده روا هما اشا سفتمان پیروزگر بخشوای روز [illegible] ماه [illegible] گاه [illegible] برت

[illegible] همارواهان فره وهر اشوان

[illegible]

[illegible]

یازده

[illegible]

روز و ماه کفش اکرتش به [illegible] اکرتش جید

[illegible] تمام کفش [illegible]

سیزده

[illegible]

[illegible]

برسد بهدین راد بنوشا خشنودی دادار اورمزد رایومند خرهمند خشنودی اشان فروهر ینوی [illegible]

دره رام ایزد خشنودی برت روان ینشت فروهر زنا لنت اشتهان [illegible]

دی برت روان بها روان فروهران برسد [illegible]

[illegible]

[illegible]

تا سر عشر

[illegible]

[illegible]

تا سر عش

[illegible]

(٢٥)

[illegible]

[illegible]

[illegible]

كفن

[illegible]

كفن

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

304

چهار گفتن

سه گفتن

تا سه گفتن

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] دوبار گفتن [illegible] گفتن [illegible]
[illegible] گفتن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اسنه زوبه اذرو اسنه

[illegible]

کربه زه داتو اناهش دادون اهندی دیو بوتی است‌ه سفتو هبوم زرنشب جسنب

فرده داتی اشونی دینیا وکمایا مازد یسنومش مانتره‌هر سفن‌تره اشونو دره زیکه داتهه

دیویوهر داتهه زره تشنره‌عش دره‌تیا آنه‌یتیا دینیا وکمایا مازدیسنومشی زرزداتونش

مانتره‌هه سفنتهه اشه درزم دینیا مازدیسنومشی وبدیلم مانتره‌هه سفنتهه اشه

فرنود وزده داتهه کوشتو سرپچه فرنود فرده داتهه ازو اهوره فرذا مانتره اهوره فرذا هه

دبسیه‌یه آزره‌هو کرونش اشه دره‌نه فره داتهه اشه مانتره وسپیکی‌شم بره خام اشونوم نهیه‌ادام

اشنوام نوودشتام آفره‌تام همیوه بره‌تام نوارو دیبشتام نوودشتام یا زدشتام نرودشتام

[illegible] ~~[illegible]~~ داتو مانه بره تر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] روز اندر آب کشتی [illegible] آب ضد روز کشتی [illegible]

روز اندر آب کشتی [illegible] آب اندر روز کشتن [illegible] گفتن

[illegible]

[illegible] تا سر دو بار جام بر از آب کشتن و آب از جام اندر دو دیگر جام باد یاب [illegible]

کردن [illegible] جام ایدون

کوز شسته کرده اندر سر جام کشتی آب کرداند [illegible] اندر آب

[illegible] اندر اندر زر دنیش [illegible] اواج کرد

بیش چنین [illegible] چار انگشت ال [illegible] اندر آب نهادن

[illegible] زر [illegible] برسم [illegible] زجب ولد

کشتن اندر اندر [illegible] آب اواج اندر آب کشتن [illegible]

[illegible]

[illegible] جام بر از آب کشتن و [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بنام دادار دادگر

مهایاره دادار هرویسف آگاه بسی اسپاس است تمام شد این کتاب الوهینی یشت بخط الوعود گردی دستور خسرو ولد بخت ملکای دستور بخشید دستور رستم که الحال حسب خوشنودی کامرای کار و ایر بزار بهنه بیجاه سالان بو ... زادگان باو سپارند بتاریخ روز ... ماه ... اشتاد ایزد ماه قدیم سنه ۱۰۵۰ بدست خط الحاکم ... دستور ... آبادان دستور حکیم دستور اردشیر هرکس این کتاب یشت بخواند یا باوزد خدایا مرزی دستور بخشید الدستور رستم بهند که خدا بر ... آباد ... را بیامرزاد هرکس که این دفتر یشت بخواند خدایا مرزی خدا ... دستور خسرو الدستور رستم بهند که این را خدا بیامرزاد هرگاه که بر سهو شکسته غلطی باشد از راه عفو بخوانند که این را خدا بیامرزاد هرکس این دفتر یشت بخوانند خدا بیامرزی خدا ... زاد ... بخت ملکای دستور آبادان ... این را خدا بیامرزاد خدا بیامرزی رشید دستور آبادان بهمن ... بیامرزاد سنه ... شاهان شاه شهریاران سنه ۱۰۵۰

بنام یزدان

این کتاب یشت ... دستور اورمزدیار ولد رستم هرکس ... بیامرزی اورمزدیار ولد رستم ... خوانده ... این را خدا بیامرزی دستور بهزاد ولد مرحوم دستور اورمزدیار ... خدا بیامرزی ... این را خدا بیامرزاد ۱۲۲۶

[illegible]

[illegible]

[illegible] اگر ثبت اشوان به [illegible]

[illegible] استوم فروشنام آنره نوم [illegible]

[illegible]

[illegible] دیگر ایشان باید خواندن [illegible] آنرا [illegible]

[illegible] شکست [illegible] زده باد [illegible] کجسته [illegible]

[illegible] خواندن

سیروزه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۴۰

[illegible]

هست نوشتن بود کار من ⁂ زمن باد خشنود دادار من ⁂ خدایا چو من زین جهان بگذرم ⁂ سروش ...

که دادار یزدان روانم نگاه ⁂ بجنت رساند بهداد جاه ⁂ ز لطف خود ای کردگار ... ⁂ روان و تنم ...

امید از تو دارم ... کردگار ⁂ که باشیم هر دو جهان رستگار ⁂ چو آن شخص نور کرد درخت ⁂ چو ...

... عیان ⁂ که هم کرد فرود بران ⁂ که کشور آبادان بود ... من ⁂ ...

... از خدای اله ⁂ نباشد در روز قیامت گناه ⁂ خدایا ازان شخص امرزگی ⁂

... که روانش بجنت رساد ⁂ خداوند گوینده را ⁂ بر ...

... شکر باد ⁂ نام ...

... رساد

...رو هم باز ❁ از بس ملک ویرانه بی اعتبار ❁

...چو نوشته باشد العاز نسلیاتی

...جان شناسم بدارم نجابت ❁ چو اسکندر آب بر تکاثف را نخواهم دلیکن ❁ چو جاده با فعالی آسمانی ❁

...چو نوشته باشد که از انتقامی ❁ با سری او اسیدانی ❁ از بس هزاران نخ نشستر و تکلم ❁ که با گوهر ریالی بجای ❁

...از تحویلت ❁ چه سال بسایه ❁ پس از فرو سال است ❁ از چشم ما نخانی ❁ باد گمان گرم علان من علان ❁

...وه داداد هر وصف آگاه و سبب شه است سفته بحث العرموده بسا کمترین ... دستور آبادان دستور کریم کردار

...سر از رای خسرو دستور جنبه دستور استم که اکنون کاب بند رستی جوش اعالی نرین کار مر ما بر نشست بزرگ ...

...کارداه ... وزارده کنه سرداد

...محمد ... جان آفرین حکمی سخن بر زبان آفرین

...ها کمترین نحلی پای بجی دوستان

سروش دستو مهربان

... کمترین نحلی پای بجی دوستان

...فریی بر زر دستو...

زنده دستو...

...ناک قدم بجم

...مرحوم

...قدم